**سه شعر از فرناند وپسوا**

**جهانبگلو، رامین**

1

اگر اشیاء پاره‏هایی

از دانش جهانند

باشد که من نیز تکه‏هایی از خود باشم

مجموعه‏ای مبهم و گوناگون.

2

امروز دو برگی

از کتاب شاعری عارف را خواندم

و انگار گریسته بسیار آدمی خندیدیم

عارفان فیلسوفان بیمارند

و فیلسوفان انسانهای دیوانه.

3

آنگاه که بهار آمد

من اگر مرده باشم

باز گلهای به همان آیین شکوفا خواهند شد

و سرسبزی درختان از بهار پیشین کم نخواهد بود

حقیقت نیازی به من ندارد